



احمد غلامی

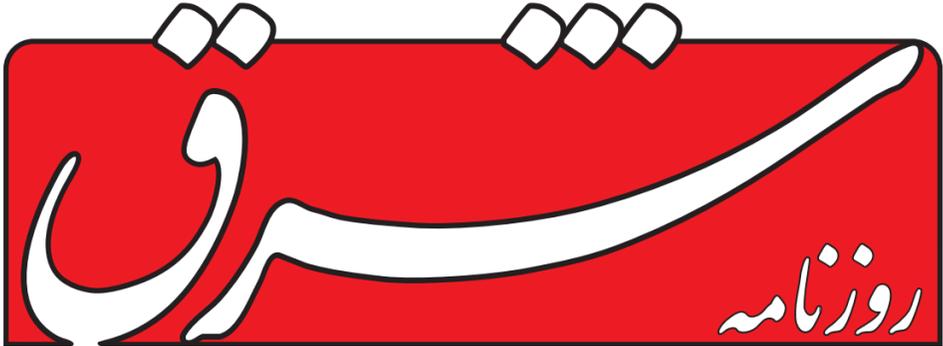
بسیاری بر این باورند که انقلاب‌ها پیش‌بینی‌ناپذیرند. اگر منظور از این گفته، آن «لحظه تکین انقلاب» باشد، البته سخنی گزاف نیست. اما انقلاب‌ها فرایندی دارند که قابل مشاهده و پیش‌بینی است. تجربه انقلاب ۱۳۵۷ مصداق بارز این فرایند است که سالیان سال مستعد ظهور لحظه تکین انقلاب بود که سرانجام به وقوع پیوست. این لحظه تکین، بزنگاهی است که آحاد مردم یکدل و یک‌صدا می‌شوند تا اراده خودشان را متجلی کنند. در این تجلی اراده، توانی وجود دارد که هم از آنان در برابر مخالفان صیانت می‌کند و هم موجب تغییر به سمت‌وسویی می‌شود که مردم اراده کرده‌اند. اسپینوزا این وضعیت‌ها را «کناوتوس» می‌نامد. کناوتوس در تعاریف اولیه اسپینوزا به این معناست که هر چیزی برای «پایدارماندن در وضعیتش» و «ارتقا به وضعیتی بهتر» کوشش می‌کند. این صورت‌بندی اولیه اسپینوزا با دو جنبه سروکار دارد؛ جنبه ایستایی یعنی استقامت در ماندن و جنبه پویایی که تغییر وضعیت موجود است و بی‌شاهت به وضعیت کنونی جامعه ما نیست. از این منظر، جامعه ایران در حال صیانت از خود است و تلاش می‌کند انسجام خود را در برابر ایده‌های بیرونی که بیشتر مبتنی بر تصویری از ایران است، به‌گونه‌ای حفظ کند که هم منطبق بر واقعیات جامعه باشد و هم مانع تغییر وضعیت نشود. دشواری کار مردم این است که چگونه می‌توانند از این مرحله عبور کنند. دور از ذهن نیست مردم برای گذر از این وضعیت به سمت ائتلاف‌هایی بروند که خواسته یا ناخواسته پیش‌روی آنان قرار دارد. وضعیت‌های انقلابی همواره اغواگرانه است؛ در این وضعیت‌ها ائتلاف‌هایی شکل می‌گیرد که نه تنها شکننده است، گاه موجب تغییر جدی در مسیر حرکت می‌شود. اغلب انقلاب‌ها این وضعیت اغواگرانه را تجربه کرده‌اند؛ چراکه حرکت‌های اجتماعی بیش از آنکه بر اساس «عقل» باشد، بر مدار «حال‌مایه»‌ها است.

۳۳

ادامه در

صفحه ۶

شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴
۱۰ رمضان ۱۴۴۷
۲۸ فوریه ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۳۸
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



در «شرق» امروز می‌خوانید: شهادت کلیتون‌ها در پرونده اپستین • ناوگروه ۱۰۳ نیروی دریایی ارتش در منطقه سوم نداجا پهلو گرفت • حادثه برای نماینده تاجکستان؛ جزئیات حادثه چه بود؟

تبعات چرخش افغانستان به سمت هند و کمک به گروه‌های تروریستی مخالف «اسلام‌آباد»

اعلان جنگ پاکستان به کابل

گزارش تیتربیک رادر صفحه ۶ بخوانید



«شرق» از تداوم فضای مبهم بین جنگ و توافق پس از پایان دور سوم مذاکرات ژنوگزارش می‌دهد

روی خط تعلیق

آژانس: نمی‌توانیم تعلیق غنی‌سازی در ایران را تأیید کنیم

تخصیص اورانیوم غنی شده ایران ۹۸۷۲.۹ کیلوگرم برآورد می‌شود

این گزارش رادر صفحه ۲ بخوانید

برگزیده‌ها

رشد ۲۰۲ درصدی قیمت طلا در یک سال گذشته
الگوی معاملات بازار را متفاوت کرد

سقوط قدرت خرید سرمایه‌گذاران طلا

گزارش «شرق» از کمبود، کمیابی و گرانی داروهای
ضد‌اسفردگی و کاهش عرضه شرکت‌های تولیدکننده

کمیابی آسترا و فلوکستین؛ بازار «روان» زیر فشار قیمت

نگاهی تحلیلی به آثار گونه ورزشی در سینمای ایران

جایی برای ورزش زنان نیست

هوش مصنوعی بدون اینترنت آزاد؛ توسعه یا توهم؟

آنچه گذشت

انحلال مطالبات نسلی

دهه هشتادی‌ها

یادداشتی از علی اصغر سیدآبادی

یادداشت

هیچ نبردی، آخرین نبرد نیست



مهررداد احمدی شیخانی

هشت سال، زمانی طولانی برای فراموش کردن برخی وقایع نیست، به‌خصوص اگر بارها از آن یاد کرده باشیم. هشت سال پیش و در رخداد‌های آبان ۹۶ که از همان ابتدا هم معلوم بود رخدادی دست‌ساز برای تحت فشار قراردادن دولت وقت است. شعاری در برخی اجتماعات داده شد که بعدها یکی از جامعه‌شناسان ساکن خارج از کشور در برنامه‌ای تلویزیونی متذکر شد در بررسی فیلم‌های منتشره از آن وقایع، متوجه شده که آن شعار فقط در دو تجمع با فاصله مکانی بسیار زیاد داده شده است؛ شعاری از این مضمون که «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا». هرچه بود، در زمان آن اعتراضات، این شعار فراگیر نبود، ولی بعد از پایان اعتراضات و پس از گذشت مدتی، این شعار به‌عنوان شعار اصلی آن وقایع از سوی بسیاری باور شد و همین عجیب بود که چگونه شعاری که در بطن ماجرا نبوده، بعدها به این گستردگی، پیام آن وقایع شده است. همان موقع در یادداشتی به تشکیک این موضوع پرداختم که وقتی شعار محوری آن اعتراضات این نبوده، دلیل اقبالش و به‌خصوص در بین ایزدیسویس چیست؟ که نوشتم ایزدیسویس از آن جهت که گمان دارد این شعار بیانگر همراهی معترضان با خواسته آنان است، مبلغ بی‌جیره و مواجب آن شده و تصور می‌کند با حذف اصلاح‌طلبی و اصولگرایی، این ساختار است که تغییر خواهد کرد، در حالی که اصلا هیچ تعرضی در این شعار به ساختار نشده بود...

۳۳

ادامه در

صفحه ۶

یادداشت

پیامدهای منطقه‌ای سوریه در پرتو تحولات مسائل کردها و کشور عراق



سید حسین موسوی*

ناگفته پیداست تحکیم پایه‌های دولت در سوریه با پیشینه اسلام‌گرایی سنی با حمایت آمریکا، کشورهای عربی، اروپا و ترکیه، دولت شیعی عراق را نگران می‌کند. عراق در حال حاضر به شیوه‌ای فدرال اداره می‌شود و دولت عراق با گرایش شیعی و حمایت جمهوری اسلامی می‌تواند ایستگاه بعدی زاده‌خواهی‌های آمریکا، ترکیه و دولت سوریه باشد.

انتقال چند هزار زندانی داعشی به عراق توسط آمریکا توجیهی جز انتقال نامنی به عراق نمی‌تواند داشته باشد. اگرچه هیئت آزادی شام که احمد الشرع رهبر آن است، از یک گفتمان سلفی جهادی تدریجاً به سوی یک گفتمان جهادی محلی کام برمی‌دارد و تلاش دارد با انعطاف‌پذیری به یک گفتمان ملی سوری تبدیل شود. اما این امکان منتفی نیست که این تغییرات احتمالاً ناشی از فشار خارجی باشد؛ زیرا در صورت تدریجی شدن این جریان به سرنوشت القاعده یا داعش مبتلا شود. اندیشه جهادی و به‌ویژه ضدیت علیه شیعیان عراق هنوز در بدنه این جریان وجود دارد و بیم آن می‌رود که ابوبکر بغدادی دیگری در این میان متولد شود.

شایان ذکر است، «ائتلاف چارچوب هماهنگی» که عراق با کاندیدکردن نوری المالکی نگران این‌گونه چالش‌هاست؛ زیرا نخست‌وزیر عراق باید در مقابله با چنین تهدیدهایی از قدرت و پشتیبانی خوبی در میان سازمان‌های شیعی نظیر حشدالشعبی برخوردار باشد تا بتواند در صورت وجود چنین تهدیداتی، انسجام را در عراق حفظ کند.

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران نیز نگران سرایت این جریان سلفی به مناطق سنی‌نشین عراق و ایجاد نامنی در عراق باشد؛ زیرا نیروهای مقاومت شیعی در عراق همچنان در معرض تهدید هستند. سفر اخیر تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا، در ۲۲ فوریه جاری به عراق که ناظران آن را مرتبط با نامزدی نوری المالکی برای نخست‌وزیری عراق می‌دانند، در همین راستا ارزیابی می‌شود. به گزارش تلویزیون العربی، گویا این سفر بخشی از میانجیگری محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر فعلی دولت پیشتر امور در عراق است که برای نزدیک‌کردن دیدگاه‌ها انجام می‌شود.

البته تلاش آمریکا بر آن است که عراقی‌ها را متقاعد کند نوری المالکی گزینه مطلوبی برای آمریکایی‌ها نیست و در صورت نخست‌وزیر شدن او، عراق باید خود را برای بسیاری از پیامدها و تحریم‌ها آماده کند. باراک تلاش دارد رهبران چارچوب هماهنگی را برای گزینه دیگری متقاعد کند و در این میان احتمالاً از هیچ تهدید و ترغیبی فروگذار نخواهد کرد. به نظر می‌رسد انسداد سیاسی بر سر انتخاب رئیس‌جمهور عراق میان دو حزب عمده کردستان عراق، اتحادیه میهنی کردستان عراق و حزب دموکرات کردستان عراق نیز بی‌مناسبت یا فشارها نباشد. اگرچه السودانی در آن سطح نیز تلاش دارد دیدگاه کردها برای اجماع بر سر شخص واحد را به هم نزدیک کند، اما گمان می‌رود آن نیز به نوع رفتار آمریکایی‌ها وابسته باشد.

در مجموع با توجه به حضور پررنگ نظامی آمریکا در منطقه، شرایط برای عراق نیز موقعیت‌های دشواری را ایجاد کرده است. این که آیا عراق می‌تواند فشارهای آمریکا را برای گزینه‌های ریاست جمهوری و نخست‌وزیری کم‌رنگ کند، آینده نزدیک نشان خواهد داد.

* رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

تحولات شمال شرق سوریه طی سه هفته درگیری از ششم تا بیست‌ویکم ژانویه ۲۰۲۶ میان نیروهای سوریه دموکراتیک (قسد) با نیروهای دولت سوریه، به تضعیف قسد انجامید و دولت سوریه توانست قسد را از استان حلب بیرون براند و سپس با تحریک عشایر عرب، دو منطقه الرقه و دیرالزور را تصرف کند. به این ترتیب، مرزهای سوریه با کشور عراق نیز به دست نیروهای دولتی سوریه افتاد.

هم‌زمان با عقب‌نشینی‌های قسد، احمد الشرع، رئیس دولت سوریه، به‌صورت هوشمندانه‌ای فرامنی صادر کرد که در آن بر حفظ حقوق شهروندی کردهای سوریه تأکید داشت و فرهنگ و زبان کردی و نیز مراسم نوروز را به رسمیت شناخت. نیروهای قسد پس از عقب‌نشینی بدون هماهنگی با آمریکا و ائتلاف بین‌المللی، زندان الشدادی در منطقه حسکه را رها کردند و در نتیجه صدها زندانی داعش آزاد شد. البته برخی از این فراری‌ها پس از استقرار دولت سوریه در منطقه و به‌دست‌گیری کنترل زندان، مجدد دستگیر شدند.

در ۱۷ ژانویه، تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا در اربیل، با میزبانی مسعود بارزانی با مظلوم عبیدی، رهبر قسد، دیدار کرد. در این دیدار، به گفته برخی منابع الجزیره، باراک با انتقاد از مظلوم عبیدی، او را متهم به همکاری با ایران و مسئول تحریک اسرائیل برای کشاندن این رژیم به مسئله کردها و نیز افزایش تنش اسرائیل علیه ترکیه کرد. او به عبیدی گفته است «تو مرا فریب دادی و با فرارهای مکرر از اجرای توافق ۱۰ مارس، رئیس‌جمهور سوریه را هم فریب دادی». باراک در این دیدار اعلام کرد که قسد از نظر آمریکا دیگر تمام شده است و دلیلی برای ادامه فعالیت ندارد و سپس دستورالعمل‌های گسترده‌ای را برای پایان‌دادن به خشونت‌ها در سوریه به او ابلاغ می‌کند.

روز بعد در ۱۸ ژانویه احمد الشرع در یک تماس تلفنی با مسعود بارزانی به او نسبت به مواضع جدید دولت سوریه در رابطه با کردها اطمینان می‌دهد و در عصر همان روز تام باراک در دیدار با الشرع، الحاقیه‌ای را به توافق ۱۰ مارس اضافه می‌کند که در آن کلاً موضوع خودمختاری مورد درخواست قسد در استان‌های الرقه و دیرالزور منتفی شده و بازگشت دوایر دولتی به استان حسکه تأکید می‌شود. الحاقیه توسط احمد الشرع امضا شده و ظاهراً مظلوم عبیدی که از سفر به دمشق برای شرکت در این جلسه بهانه آورده است، از راه دور و با امضای مجازی آن الحاقیه را تأیید می‌کند. در این الحاقیه همچنین ذکر شده بود که همه پایگاه‌های نظامی قسد در کوبانی (عین‌العرب) باید تخلیه شده و هم‌زمان جنگجویان قسد در این استان نیز باید در نهادهای نظامی سوریه به‌صورت انفرادی و نه به‌صورت واحدهای نظامی، ادغام شوند.

مظلوم عبیدی در ۱۹ ژانویه، روز بعد از این توافق بر سر الحاقیه، به دمشق می‌رود و پیش از پنج ساعت با احمد الشرع گفت‌وگو می‌کند. در این دیدار، الشرع از عبیدی خواستار اجرای فوری الحاقیه ۱۸ ژانویه می‌شود و به او پیشنهاد می‌کند با معاون وزیر دفاع سوریه شود یا استانداری حسکه را بپذیرد. عبیدی در این دیدار ظاهراً پیشنهاد را نمی‌پذیرد و همچنان بر خودمختاری استان حسکه اصرار می‌کند.

در این دیدار که تام باراک نیز حضور داشت، پس از اصرار عبیدی بر مواضع خود، باراک با مصیبت‌آمیز جلسه را ترک کرده و موضوع را به اطلاع ترامپ می‌رساند. به گزارش منابع الجزیره، ترامپ در یک تماس تلفنی با احمد الشرع ضمن تأکید بر وحدت سرزمینی و حاکمیت دولت سوریه بر همه مناطق کشور، بر حفظ امنیت زندان‌هایی که داعش در آنها زندانی است، تأکید می‌کند.

یادداشت

از خلع صلاح تا خلع سلاح



امیر تامنی

این روزها ایران در «لحظه تاریخ» قرار دارد؛ لحظه‌ای که سرنوشت کشور در تیک‌تاک عقربه‌های ساعت دیپلماسی در حال رقم‌خوردن است؛ لحظه‌ای که یک «واژه» یا «امضا» می‌تواند از وزن زمین بکاهد یا یک «شلیک»، کبریت به انبار باروت بیندازد و ساعت دیپلماسی را صفر کند. یک موقعیت خاص و منحصر‌به‌فرد دیگر در تاریخ معاصر پرفرازونشیب ایران که شاید نزدیک‌ترین رخداد تاریخی مشابه به آن را در تاریخ در ماجراهای شهرویر ۱۳۲۰ در کتاب‌ها خواندیم و امروز هم در قالب و داستانی دیگر به چشم خود در حال نمایش آن هستیم. برای جمهوری اسلامی فرارگیری در این موقعیت، یعنی سرشاخ‌زدن نهایی با ایالات متحده، یک امر قابل پیش‌بینی بود که در یوز داشت ولی سوخت و سوز نداشت؛ چراکه پس از «سال‌ها (قبل از انقلاب) پیروی مذهب زندان کردن»، انتخاب مسیر «در خلاف آمد عادت» قطعاً هزینه‌های داشت که بالاخره باید نقد می‌شد و حالا «ترامپ» به‌مثابه شمشیر شمری است که می‌خواهد چک شعراها و وعده‌ها را نقد کند. این روزها همه از هم این سوالات را می‌پرسند که «جنگ می‌شود؟»، «کی جنگ می‌شود؟» و «بعدش چی می‌شود؟»؛ غافل از آنکه سال‌هاست جنگ علیه «مردم ایران» در ذهن و سفره آنان شروع شده و فقط پرده آخرین جنگ که جنگ نظامی تمام‌عیار است، هنوز اکران نشده است. به‌واقع اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین بازیگران این جنگ در تمامی این سال‌ها، برخلاف ادعای ایالات متحده، «مردم ایران» بود؛ مردمی که اساساً در تمام این سال‌ها همواره متأثر از پیامد تحریم‌ها و فشارهای بیرونی، به وضعیت «شوکی زیستی» عادت کرده‌اند و اگر مدتی طولانی را بدون اخبار تلخ و مصایب گوناگون سپری کنند، دچار حیرت‌زدگی و تعجب می‌شوند. مردمی که این سال‌ها زیر چرخ‌های تورم، بیکاری، تبعیض و فساد منتج از تحریم‌ها له شده و عمری را «گوش» به اخبار و تحولات سیاسی و «چشم» به خیمه‌شماربازی قیمت دلار، طلا، مسکن و خوراک و پوشاک و حسرت دائمی داشتن یک زندگی معمولی گذرانده‌اند.

۳۳

ادامه در

صفحه ۶

نوبت اول



سازمان حقوقی سزای

«خلاصه آگهی عرضه عمومی»

شناسه آگهی ۲۱۴۱۰۴۰ رجوع به صفحه ۳ م الف ۴۵۵۴